

گفت‌وگوی «آتیه‌نو» با عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع)

## تورم چگونه مهار خواهد شد؟

تورم امروزه یکی از معضلات بزرگ اقتصادی در بسیاری از کشورها قلمداد می‌شود. این روزها با یک تورم جهانی روبه‌رو هستیم. بسیاری از کشورهایی که برای سالیان متمادی تورم تک‌نرخی را تجربه کرده‌اند، امروز این شاخص کلان اقتصادی آن‌ها، دورقمی شده‌است. از طرف دیگر ما نیز در کشورمان طی نیم‌قرن اخیر با یک تورم مزمن ساختاری روبه‌رو بوده‌ایم که در این سال‌ها، بر شدت آن افزوده شده‌است. نام‌گذاری سال جاری از سوی رهبر معظم انقلاب به نام «مهار تورم، رشد تولید»، نشان‌دهنده آن است که کنترل تورم از اهمیت بسزایی برخوردار است و دولت نیز در این باره باید تمام برنامه‌ریزی‌ها را برای مهار تورم انجام دهد.

کامران ندری، اقتصاددان و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق (ع) در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» با اشاره به اینکه

گفت‌وگو



این روزها اقتصاد کشور با تورم بالایی روبه‌رو شده است. اصولاً در بحث کنترل تورم با چه چیزی مواجه خواهیم شد؟

برای کنترل تورم چند مسئله جدی وجود دارد. یکی از مهم‌ترین مباحث در مورد کاهش یا افزایش تورم، بحث انتظارات تورمی است. انتظارات تورمی با یک خبر خوب فروکش و با خبرهای بد و ناامیدکننده افزایش پیدا می‌کند. عملکرد مسئولان هم در شکل‌گیری انتظارات تورمی تأثیرگذار است و اخباری که به مردم نوید بهبود وضعیت اقتصادی را بدهد می‌تواند در کاهش تورم مؤثر باشد. برداشته شدن تحریم‌ها، بهبود روابط تجاری ایران با سایر کشورها و همچنین گشایش مشکلات بانکی می‌تواند خیلی سریع روی تورم تأثیر مثبت بگذارد. در این شرایط بدون اینکه هزینه‌های خاصی به اقتصاد تحمیل شود، می‌توان تورم را در حد قابل توجهی مهار کرد.

رفع تحریم‌ها و برقراری ارتباط تجاری با کشورهای همسایه تا چه اندازه می‌تواند باعث کاهش تورم شود؟

ارتباط با سایر کشورها به‌صورت متوازن می‌تواند تورم نقطه به نقطه بیش از ۶۰ درصدی را به نقطه تاریخی خود یعنی حدود ۲۵ تا ۳۰ درصد بازگرداند. در این شرایط می‌توان امیدوار بود که تورم تا نصف کاهش پیدا کند. البته عکس این اتفاق هم ممکن است رخ دهد و شرایط به شکلی پیش برود که تورم بیشتر شود. اگر به هر دلیلی انتظارات تورمی تشدید شود، دوباره شاهد رشد تورم خواهیم بود.

چرا تورم به‌راحتی شکل می‌گیرد اما برای از بین بردن آن چالش‌های بسیاری وجود دارد و نیازمند زمان طولانی خواهیم بود؟

وقتی ابتدا تورم شکل می‌گیرد، اثر آن موقتی نیست. تورم به وجود آمده باقی می‌ماند. با افزایش قیمت‌ها و فشار به نیروی کار، اثر آن به کارفرما هم می‌رسد تا حقوق را افزایش دهد. به‌حق هم این اتفاق رخ می‌دهد. کارگر نیازمند است و دستمزددش باید افزایش پیدا کند. ضمن اینکه در این شرایط قیمت مواد اولیه هم رشد کرده و دولت نیاز به بالا بردن قیمت خدمات خود دارد. بنابراین جامعه و اقتصاد کشور درگیر یک پدیده منفی اقتصادی به نام مارپیچ تورمی شده که همه بخش‌ها را درگیر می‌کند. در نتیجه این تورم میل به ماندگاری دارد و به‌راحتی از بین نخواهد رفت. حال اینکه بخش انتظارات تورمی چگونه باید مدیریت و کنترل شود، یک بحث فنی است و باید از مسئولان امر که در این خصوص فعال هستند، پرسیده شود.

بعد از این انتظارات تورمی قطعاً با تورم اصلی روبه‌رو خواهیم شد. این مرحله با چه سختی‌هایی

گفت‌وگو

یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه جهت‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها باید به سمت حمایت از تولید باشد، گفت: «کاهش تصدی‌گری دولت یکی از عوامل اصلی رشد تولید در کشور است.»

حمید حاج‌اسماعیلی در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» درباره اقداماتی که از سوی مجلس برای رشد تولید می‌تواند صورت بگیرد بیان کرد: «یکی از مشکلات اساسی کشور، مشکلات اقتصادی است. به عقیده من اگر اقتصاد کشور رونق و بهبود پیدا کند، مطمئن باشید بسیاری از مشکلات برطرف خواهد شد و در عین حال حل مسائل در بخش‌های اجتماعی نیز راحت‌تر خواهد بود.

## اقتصاد



یادداشت



### برای رشد تولید همه نهادها باید پیش‌قدم شوند



مهار تورم و رشد تولید دو متغیر مهم اقتصادی هستند که باید دولت آن‌ها را در اولویت کاری خود قرار دهد. این در حالی است که مهار تورم بحث تازه‌ای نیست. سال‌هاست عوامل مؤثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته که مهم‌ترین آن‌ها عدم سرمایه‌گذاری در بخش تولید است. در حال حاضر نرخ تولید سرمایه ثابت در ایران منفی است و این‌موضوع به هیچ عنوان مطلوب نیست. برای رشد تولید باید سرمایه‌گذاری در کشور در سطح وسیع انجام شود تا بتوانیم انتظار رونق تولید داشته باشیم. از سوی دیگر مشکلات اقتصادی نیز باید مورد حل‌وفصل قرار بگیرند. این در حالی است که مشکلات اقتصادی ایران عمده‌تاریشه غیراقتصادی دارد و برای رسیدن به هدف باید اول آن ریشه‌ها برطرف شود تا صحبت‌های علمی اقتصادی به نتیجه برسد. بنابراین باید نگاه به تورم عمیق‌تر شود. بر این اساس لازم است که سیاست‌گذاری‌ها در حوزه اقتصادی با اصلاحات ساختاری قابل توجهی همراه شود. البته ذکر این نکته ضروری است که تنها برای تحقق شعار سال ۱۴۰۲ نباید از دولت انتظار تغییرات بنیادین داشت، بلکه باید تمامی نهادها و ارگان‌ها پای کار باییند. به‌عنوان مثال قوه قضاییه اگر حکمی مبنی بر تعطیلی کارخانه‌ای را صادر می‌کند، باید به فکر بیکاری کارگران و توقف تولید هم باشد و در حکم خود تجدیدنظر کند و یا اینکه مجلس راهکارهایی برای افزایش تولید ارائه دهد. همچنین برای رسیدن به هدف اصلی باید با نگاه به تجربیات سال‌های گذشته، موانع تولید و توسعه را برطرف کرد تا رشد تولید باعث مهار تورم در اقتصاد شود. از سوی دیگر اعزام رایزنان ماهر و مجرب بازرگانی به کشورهای دوست و برادر برای شناسایی بازارهای هدف و تلاش و تأکید برای حفظ آرامش و ایجاد ثبات در منطقه با دراز کردن دست دوستی به سمت کشورهای همسایه و منطقه، از جمله وظایف مهم وزارت امور خارجه در این زمینه به‌شمار می‌رود. اگر این مهم به‌منصه ظهور برسد، گام بلندی در راستای افزایش و جهش تولید برداشته می‌شود.

تردید وجود ندارد که بخش کوچکی از آنچه باید درباره رشد تولید محقق شود، وظیفه دولت است. حتی اگر اقتصاددانان روی موضوع افزایش نقدینگی به منزله عامل افزایش میزان تورم تأکید دارند، نباید این موضوع را تنها عامل افزایش میزان تورم و آسیب‌هایی دانست که تولید را از جهات مختلف تحت تأثیر قرار داده است. تغییر ساختارها در بخش‌های گوناگون حاکمیتی نه‌فقط موضوع جلوگیری از رشد نقدینگی بلکه مهم‌ترین رکن برای «مهار تورم و رشد تولید» است. بنابراین به دلیل عدم تغییر ساختارها و نبود اصلاحات لازم در بخش‌های مختلف، نقدینگی حتی در میزان بسیار پایین نیز راهی بخش دلالی و غیرمولد می‌شود. با این وصف سرنوشت تولید چیزی جز افتادن در دام رکود نیست؛ اتفاقی که سال ۱۳۸۷ شاهد آن بودیم. در آن زمان به‌اصرا اقتصاددانان نقدینگی کم شد، اما بخش تولید در رکود شدیدی فرو رفت. حل مشکل تورم و رشد تولید در وضعیت فعلی نیاز به هماهنگی همه‌جانبه دارد و تمامی ارگان‌ها و نهادها در این زمینه باید پا به میدان بگذارند.



این استدلال نمی‌تواند با موفقیت همراه باشد. تنها راهی که بتوان با آن تولید کشور را سر و سامان داد، کنترل تورم است. در غیر این صورت همان‌طور که تاکنون این اتفاق رخ داده، تمامی راهکارها به شکست می‌انجامد. از سوی دیگر تنها ابزاری که امروز برای مهار تورم در اختیار دولت و بانک مرکزی قرار دارد، نرخ بهره است. با توجه به دلایلی که به آن‌ها اشاره شد، دولت‌های گذشته هیچ میل و رغبتی برای افزایش نرخ بهره در جهت کنترل نرخ تورم نشان نداده‌اند.

این افزایش نرخ سودی که اخیراً به‌صورت خزنده اعمال شده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

این افزایش‌های جزئی بخاطر شرایط عمومی اقتصاد کشور و بالا بودن تورم است که نتیجه آن خروج سپرده‌از بانک‌هاست. برای جلوگیری از این وضعیت این رشدهای اندک در نرخ سود ایجاد می‌شود. از سویی زمانی که خروج سپرده‌ها از بانک‌ها شتاب می‌گیرد، تقاضای بانک‌ها برای استفاده از ذخایر قانونی بانک مرکزی افزایش پیدا می‌کند، بنابراین شاهد افزایش جزئی در نرخ بهره هستیم، اما این سیاست تاکنون جواب نداده است. نتیجه این موضوع افزایش نرخ بهره منفی در اقتصاد ایران است. در حال حاضر با توجه به تورم بالا، نرخ بهره ۲۰ تا ۲۳ درصدی عملاً کارکردی ندارد و باعث می‌شود یک مسابقه شکل بگیرد تا افراد دارایی خود را به هر چیزی جز ریال تبدیل کنند. برای همین این روزها باز هم شاهد افزایش قیمت دارایی‌های سرمایه‌ای از جمله دلار، سکه، طلا، مسکن و خودرو هستیم. حباب منفی می‌گیرد، تسهیلات بانکی استفاده پیدا می‌کند. کسانی که بتوانند از تسهیلات بانکی استفاده کنند، به‌نوعی برنده این وضعیت هستند چرا که با تبدیل این منابع به یک دارایی، از سرمایه خود در برابر تورم حفاظت خواهند کرد. اما تولیدکنندگان در این شرایط نمی‌توانند منتفع شوند، زیرا فرایند اخذ وام برای بخش تولید بسیار سخت بوده و زمان زیادی لازم است تا این پول به دست تولیدکننده برسد. از سوی دیگر با افزایش تورم هزینه‌های تولید نیز با رشد زیادی روبه‌رو می‌شود و طبعاً بخش تولید در این شرایط از توان کمتری برای فعالیت برخوردار خواهد بود.

که به ۷ یا ۸ درصد رسیده، به کمتر از پنج درصد برسانند. البته این کار برای آن‌ها هزینه هم دارد و رشد اقتصادی این کشورها در سال جاری به‌دلیل سیاست انقباضی اعمال شده برای مهار تورم، کاهش پیدا می‌کند. اما چرا این کار را انجام می‌دهند؟ چون می‌دانند که مهم‌ترین عامل بازدارنده رشد اقتصادی در بلندمدت تورم است. اگر بخواهید در بلندمدت رشد اقتصادی قابل‌قبولی داشته باشید و اعتماد سرمایه‌گذاران برگردد و شروع به سرمایه‌گذاری کنند، شرط لازم و نه کافی این است که تورم کنترل و مهار شود. مدیریت انتظارات هم تا حدی تورم را کاهش می‌دهد، اما بعد از آن باید اصلاح ساختاری انجام شود که هزینه دارد.

برخی از کارشناسان اقتصادی معتقدند که یکی از ریشه‌های اصلی تورم در ایران، سرکوب نرخ سود است؛ دیدگاه شما در این باره چیست؟

در اقتصاد ایران که برای سال‌های متمادی درگیر تورم بوده، نرخ سود همواره از سوی دولت‌های گذشته مورد سرکوب قرار گرفته‌است. در چنین وضعیتی سرمایه‌های مختلف برای حفظ ارزش خود به بازارهای سرمایه‌ای مختلف سرازیر می‌شوند. این موضوع بازارهای مختلف را با تلاطم مواجه و تورم به‌طرز سرسام‌آوری افزایش پیدا می‌کند. متأسفانه تمام راهکارهایی که برای کنترل تورم در اختیار دولت قرار دارد، کارایی ندارد و تنها ابزار در این زمینه نرخ سود است. اما چون دولت‌ها به دلایل مختلف خواهان کنترل و ثابت نگه‌داشتن نرخ بهره هستند، عملاً این ابزار سیاست‌گذاری در کشور آن‌طور که باید و شاید عمل نمی‌کند. زمانی که دولت و بانک مرکزی نرخ بهره را اندکی افزایش می‌دهند، عده‌ای استدلال‌شان این است که افزایش نرخ سود بانکی باعث ایجاد رکود می‌شود. اولاً افزایش نرخ سود به آن معنا نیست که دولت بخواهد یک‌دفعه نرخ بهره را ۲۵ درصد افزایش دهد، تا به‌صورت جدی ترمز رشد تورم کشیده شود. ثانیاً در شرایطی که تورم در کشور بیشتر از هر زمان دیگری است، تنها راهکار مقابله با آن همین افزایش نرخ بهره است. بنابراین اگر قرار باشد از بین کنترل تورم و تشدید رکود و یا ایجاد رونق و افزایش تولید از طریق چاپ پول یکی را انتخاب کرد، قدر مسلم کنترل تورم اولویت دارد، زیرا در شرایطی که روزبه‌روز سرعت رشد تورم بیشتر می‌شود، اگر رونقی نیز ایجاد شود از طریق افزایش نقدینگی است، که این موضوع در نهایت باز هم به افزایش تورم ختم خواهد شد.

راهکار شما در این باره چیست؟

اگر بخواهیم بخاطر ایجاد رونق نرخ بهره را پایین نگه داریم، نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که این رونق پایدار باشد؛ زیرا از یک طرف با پایین بودن نرخ سود بانکی، نقدینگی سرگردان جامعه به بازارهای مختلف رفته و باعث ایجاد تلاطم می‌شود و این موضوع تورم را بیشتر خواهد کرد. از سوی دیگر طبیعتاً با افزایش تورم، هزینه تولید کالا و خدمات در کشور بیشتر می‌شود و این موضوع در میان مدت و بلندمدت واحدهای تولیدی را تضعیف و رکود موجود اقتصادی را تشدید می‌کند. بنابراین در عمل

### کاهش تصدی‌گری دولت

### یکی از عوامل اصلی رشد تولید

او تأکید کرد: «به دلیل اینکه هزینه‌های کشور افزایش یافته و جوابگوی شرایط و تأمین مخارج از محل مالیات با منابع درآمدی نیست، بنابراین چاره‌ای نداریم که مسیر اقتصاد کشور را از کارهای خدماتی به‌سمت کارهای تولیدی ببریم. خوشبختانه ظرفیت‌های خوبی در کشور هم به‌لحاظ منابع و هم به‌لحاظ نیروی انسانی وجود دارد. در بخش منابع نفت داریم و می‌توانیم آن را به‌فراورده‌های مختلف با ارزش افزوده تبدیل کنیم، در بخش معادن نیز وضعیت بسیار خوبی داریم و یکی از بهترین منابع طبیعی دنیا در اختیار ماست و می‌توانیم کالا تولید کنیم و علاوه بر عرضه در داخل به کشورهای همسایه نیز صادر کنیم.»

بنابراین ما باید فکر کنیم که چگونه می‌توانیم وضعیت اقتصادی را بهتر کنیم.» کارشناس اقتصادی با بیان اینکه یکی از اقدامات اقتصادی که باید صورت بگیرد این است که تولید در کشور بتواند رشد کند، افزود: «اقتصاد کشور یک اقتصاد خدماتی است. از گذشته نفت می‌فروختیم و پول آن را توزیع می‌کردیم و به این کار عادت کردیم. این موضوع در اقتصاد مرسوم پیدا کرده است. به دلیل تحریم‌های سال‌های اخیر درآمدهای نفتی ما کاهش یافته و با کسری بودجه مواجه شده‌ایم. هر سال هم این کسری ادامه پیدا می‌کند و به‌رغم تلاش‌های زیاد، امکان اینکه منابع اعتباری کشور از مسیر صحیح – کسب درآمدها از کارهای تولیدی و مالیات – تأمین شود، وجود ندارد.»